



### بازگشت تهیه کننده محکوم با پلتفرم تازه؟

طبق اخبار منتشرشده در فضای مجاری، محمد امامی، تهیه کننده سینما که اردیبهشت ماه ۱۴۰۱ و در جریان پرونده فساد مالی بانک سرمایه به جرم اخلاص کلان در نظام اقتصادی به ۲۰ سال زندان، رد مال و انفصال از خدمات دولتی محکوم شد، با همکاری تعدادی از دوستان و هم فکرانش، در حال راه اندازی یک پلتفرم تازه در حوزه فیلم و سریال به نام «شسیدا» است. این خبر که در فضای مجازی در میان اهالی فرهنگ و هنر واکنش های بسیاری برانگیخته، از جمله واکنش هاینه توسلی رانیز به همراه داشته است. هاینه توسلی، بازیگر سینما در واکنش به این خبر در استوری اینستاگرامش نوشت، خدا را شکر می کند که این روزها کاری به سینما و بازیگری ندارد. محمد امامی در بازه زمانی تقریباً شش ساله ای در دهه ۹۰، سرمایه گذار آثار نمایشی مختلفی از جمله سریال های «شهرزاد» و «شاهگوش» و فیلم هایی چون «ابد و یک روز»، «خوب، بد، جلف»، «مغزهای کوچک رنگ زده»، «خوک» و «مصادره» بود.



### ادامه سقوط ایران در جدول جهانی سرعت اینترنت

براساس تازه ترین فهرست وبسایت جهانی اسپیدتست که رده بندی کشورهای جهان براساس سرعت اینترنت همراه و ثابت را اعلام می کند، میانگین سرعت اینترنت ثابت در ایران در یازدهمین ماه از سال ۲۰۲۳ میلادی با یک پله سقوط به رتبه ۱۵۴ میان کشورهای جهان رسیده است. ایندیندنت فارسی ضمن اعلام این خبر نوشت، براساس این گزارش، میانگین سرعت اینترنت همراه و ثابت جهان در نوامبر ۲۰۲۳ به ترتیب به ۴۸/۶۱ و ۹۰/۲۱ مگابیت برثانیه رسید و این در حالی است که میانگین سرعت اینترنت همراه در ایران در همین تاریخ ۳۱/۸۲ و برای اینترنت خانگی و ثابت نیز تنها ۱۲/۷۶ مگابایت بر ثانیه بوده است. اکنون اسپیدتست می گوید، در ماه نوامبر جایگاه ایران در رده بندی سرعت اینترنت میان کشورهای مختلف جهان در حوزه اینترنت همراه و موبایل، تغییری نسبت به ماه گذشته میلادی نداشته است و این کشور همچنان میان ۱۴۵ کشوری که مورد محاسبه قرار گرفته اند در رتبه ۷۵امی مانده، اما از لحاظ سرعت اینترنت ثابت و خانگی با یک پله سقوط، میان ۱۸۱ کشور موردنظر در مقام ۱۵۴ قرار گرفته است.



### «تنهادر خانه» در فهرست ملی آمریکا

فیلم موفق «تنهادر خانه»، محصول دهه ۱۹۹۰ میلادی هالیوود، وارد فهرست ملی ثبت فیلم آمریکا شد. ایسننا ضمن اعلام این خبر به نقل از ان پی بی ان نوشت، «تنهادر خانه»، فیلمی به کارگردانی کریس کلموس و نویسندگی جان هیوز است و مکالی کالکین، جوشی، دنیل استرن، جان هرد و کترین اوهارا بازیگران آن هستند. مکالی کالکین با این فیلم نامزد دریافت جایزه گولدن گلوب بهترین بازیگر مرد فیلم موزیکال یا کمدی و تبدیل به جوان ترین فردی شد که تا به حال کاندیدای دریافت این جایزه شده است. او در آن زمان ۱۱ سال داشت. این فیلم به یکی از موفق ترین و سودآورترین فیلم های هالیوود تبدیل شد و توانست ۲۶ برابر هزینه فیلم را در گیشه ها به دست آورد. فهرست ملی ثبت فیلم، نام یک فهرست ویژه فیلم های سینمایی محصول آمریکا است که از سال ۱۹۸۸ میلادی در کتابخانه ملی کنگره آمریکا تأسیس شده است.



## امیر ناظمی معاون وزیر ارتباطات دولت دوازدهم درباره چرایی حمله به کسب و کارها می گوید

# اکوسیستم استارت آپی

## با منافع تندروهای دو سر طیف تعارض دارد

و سهم مباحث جامعه شناسی راد این میان بیشتر می دانید یا سهم مباحث اقتصادی را؟

به عقیده من، موانع فرا گرفته پیش روی رشد اکوسیستم استارت آپی ایران حاصل همزمانی دو دسته از سیاست هاست. یک دسته از این موانع حاصل سیاست داخلی و پیامدهای آن است. سیاست داخلی که در نهایت به کاهش مشارکت اجتماعی-سیاسی در همه حوزه ها از جمله حوزه نوآوری منجر شده است. پیامدهای این سیاست هم کاهش پویایی سیستم، کاهش اعتماد عمومی، کاهش میزان تقاضا برای محصولات داخلی و در نهایت از میان رفتن هرگونه خدمت و محصول با کیفیت داخلی است. دسته دوم موانع، ناشی از سیاست های بازیگران خارج از کشور و مخالف نظام فعلی ایران است که با نام برانداز از آن یاد می شود. گروه هایی که تمایل شان به سوی براندازی است و به صورت طبیعی آنان تنها به دنبال تقویت یک گزاره هستند؛ «هیچ فرد شایسته ای در ایران موفق نیست و موفقیت تنها در اختیار کسانی است که خودی هستند». برای تقویت این گزاره این گروه ها چاره ای ندارند مگر آنکه به مخاطب خود آقاء کنند که بازیگران اکوسیستم استارت آپی وابسته به حاکمیت اند؛ چرا که در وضعیت فعلی ایران، هیچ شخص حقیقی و حقوقی نمی تواند بدون زدوبند موفقیتی به دست آورد. این گزاره ای است که آنها علاقه مند به تقویتش هستند. پس با توجه به اینکه رشد اکوسیستم استارت آپی ایران می توانست یکی از نقاط امیدبخش به جامعه باشد، توسط این گروه ها مورد حمله قرار می گیرد.

این گروه ها با تقویت چنین ادعاهایی است که می توانند تعداد زیادی از شهروندانی را که شناسی برای موفقیت خود، فرزندان و نزدیکان شان نمی بینند، به موضع گیری علیه قدرت مستقر تشویق کنند. مهم ترین نشان ناکارآمدی یک حاکمیت آن است که شهروندانش نتوانند هیچ چشم اندازی برای توسعه فردی و جمعی خود تصور کنند و گزاره «در وضعیت فعلی ایران، هیچ شخص حقیقی و حقوقی نمی تواند بدون زدوبند موفقیتی به دست آورد»، در حقیقت کارآمدی حاکمیت فعلی را زیر سوال می برد. برای این گروه ها، راه عمومی مردم بی اهمیت است. آنها همه چیز را قربانی می کنند تا نشان دهند که «هیچ شخص حقیقی و حقوقی مستقلاً وجود ندارد و همه موفقیت ها حاصل وابستگی به حاکمیت و پاداشی به خودی هاست».

**این اتفاق در داخل دو مرتبه و از سوی دو گروه متفاوت رخ داد. یکبار در سال ۱۳۹۶ و بار دوم، از اعتراضات آبان ماه ۱۳۹۸ به این سو؛ به گونه ای که این بار بخش رادیکال نیروهای اپوزیسیون بودند که این کار را انجام می دادند.**

اساساً موضع گیری علیه بازیگران بزرگ اکوسیستم استارت آپی یا مواجهه با آنها در ایران یک روند رو به افزایش بوده است. آغازگران این روند، نیروهای داخلی بودند. کسانی که من آنها را فراگاہی ها می نامم. آنها هستند که شبانه ما تولید، توزیع و بازنشر می کنند.



ویریا آدینه نورد  
خبرنگار فناوری

پارسال این اوقات فضای رادیکال، ملتهب و غم بار فرصت فکر و تأمل درباره آنچه بر جامعه ایران می گذشت را گرفته بود. رفتارهای هیجانی جمعی واکنشی بود به اتفاقات ناگوار آن روزها. میان پروپاگاندای تندروها، اطلاعات نادرست و دروغ پراکنی با شتاب و حجم بالا تشخیص سره از ناسره بسیار سخت بود. در سالگرد آن روزها، زمان مناسبی است برای مرور آنچه اتفاق می افتاد. برای ریشه یابی رفتارهای هیجانی جمعی و البته واکاو بازیگران اصلی. یکی از اتفاقات مهم پارسال این بود که اکوسیستم استارت آپی در ایران برای بار چندم در طی دوران کوتاه خودش مورد حمله قرار گرفت و به صدر سیاست در ایران آمد. برای آسیب شناسی این اتفاق با امیر ناظمی، پژوهشگر و معاون وقت وزیر ارتباطات دولت دوازدهم گفت و گو کردیم. او در زمان حضورش در دولت احتمالاً یکی از بزرگ ترین بحران هایی را که مدیری در چنین جایگاه تخصصی می تواند از سر بگذراند، تجربه کرده است؛ بحران اتفاقات دردناک آبان ماه ۱۳۹۸ و قطعی اینترنت؛ اتفاقاتی که احتمالاً هیچ گاه از خاطره جمعی پاک نخواهد شد. آن زمان و بعد تر وزارت ارتباطات، آذری جهرمی را به این متهم می کردند که با تهیه زیرساخت هایی در صد درصد قطعی کامل اینترنت ایران از اینترنت جهانی است؛ اتهاماتی که به پروژه ابرایران وارد می شد و شرکت ابرایران را هم وارد بحرانی بزرگ کرد؛ شرکتی که فقط در کمتر از چهار درصد آن پروژه می خواست نقش ایفا کند و در نهایت هم از آن بیرون رفت. امیر ناظمی در این سال ها جسته گریخته از پروژه ابرایران گفته است. این بار بعد از چهار سال از او خواستیم تا در گفت و گویی اول تا آخر این پروژه را هم تعریف کند.

**ما در ایران در دورانی شاهد شکوفایی اکوسیستم استارت آپی مان بودیم؛ دورانی که در دولت یازدهم کلید خورد و با رویکرد مثبت معاونت علمی فناوری ریاست جمهوری و وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات نسبت به این اکوسیستم در دولت دوازدهم ادامه پیدا کرد. این شکوفایی در حالی آغاز شد که رشد اکوسیستم استارت آپی بسیاری از کشورهای منطقه، کمتر از ما بود و با توجه به فاصله چندانی که با وضعیت بین المللی نداشتیم، حتی می توانستیم انتظار رسیدن به جایگاهی در جهان را هم داشته باشیم، اما هم زمان با این اتفاق شاهد شکل گیری پروژه هایی چون «شب نامه» از سوی برخی رسانه های تندرو داخلی بودیم؛ پروژه های که نگرانی بخش امنیتی حاکمیت را از رشد اکوسیستم استارت آپی نشان می داد و میل داشت مانع از این رشد شود. تحلیل شما از منظر جامعه شناسی اقتصادی از این وضعیت چگونه است**

اینها همان هایی بودند که علیه شرکت ابرآرون، شروع به توتیت زدند کردند. نمونه ابرآرون از این لحاظ بسیار قابل توجه است. این زمان بندی در مقابله با اکوسیستم استارت آپی بسیار قابل توجه است. قبل از آنکه هر گروهی خارج از ایران، چه برانداز و چه غیر برانداز، شروع به حمله به شرکت ابرآرون کند و این شرکت را به عدم رعایت حقوق شهروندان متهم سازد، نیروهای فراگاہی بودند که این کار را انجام دادند. آنچه در این زمینه می گویم، براساس مستندات است که در گزارش های ابرآرون آمده و مشخص است که نخستین حمله توسط چه کسانی آغاز شد. نکته دیگر، همزمانی این حمله با تلاش برخی شرکت های خصوصی برای خرید سهام این شرکت با قیمتی بسیار کمتر از قیمت بازار بود. تلاقی این دو اتفاق، این تردید را به وجود می آورد که به نظر می رسد این حمله ها به ابرآرون می تواند ناشی از «تعارض منافع» باشد.

به عبارت دیگر به نظر می رسد تعارض منافع ایجاد شده برای برخی شرکت های خصوصی موجب می شود آنها بدون هیچ گونه ملاحظه ای، هر چیزی را قربانی کنند. آنچه مکمل این وضعیت است، نگاه ایدئولوژیک است؛ مکملی سوخت رسان. نگاه ایدئولوژیک که در بسیاری از مواقع در فاصله ای بسیار زیاد از واقعیت فناوریانه جهان امروز به سر می برد. این نگاه ایدئولوژیک می گوشت با راه حل هایی متعلق به قرن نوزدهم به چالش های پیش آمده در قرن بیست و یکم پاسخ دهد. نگاه ایدئولوژیک اساساً به فناوری های نو ظهور و غیر قابل کنترل بی اعتماد است و از آنها می ترسد. همان طور که تزار روسیه گفت: «می ترسم راه آهن منجر به وارد شدن انقلاب شود». حاصل این طرز تفکر که نمی خواهد واقعیت عینی جهان امروز را ببیند، چیزی جز تبدیل شدن به موتوری برای ضدیت با خودش نیست. اگر چه به عنوان مثال تصور می کنند با فیلترینگ می توان اوضاع را کنترل کرد، اما انتها با این کار از عهده کنترل اوضاع بر نمی آیند، بلکه سرمایه اجتماعی خود را هم از بین می برند. به همین دلیل چالش هایش را به دست خودش چندین برابر می کند و حتی امید به حل شدن چالش ها را هم از بین می برد. اکنون دو سال است که شبکه های اجتماعی فیلترتند و سرعت اینترنت کند شده و سوالی که وجود دارد این است که آیا حاکمیت توانست با این رویکرد، وضعیت بهتری ایجاد کند و چالش هایش را بر طرف سازد؟ سوالی که پاسخش مسلماً خیر است و موجب ایجاد وضعیتی شده که می توان آن را به عنوان نمونه عملی «ناکارآمدی نگاه ایدئولوژیک» مورد توجه قرار داد.

با این حساب شکل گیری نیروهای داخلی مخالف رشد اکوسیستم استارت آپی می تواند نتیجه دو مؤلفه اصلی باشد؛ یکی نگاه ایدئولوژیک که واقع گرایی را کنار گذاشته و دوم، تعارض منافع. تعارض منافع ایجاد شده برای گروه هایی که در فرصت هایی این چنینی به دنبال تصاحب شرکت های استارت آپی اند؛ تصاحبی که برای شان موجب ایجاد توهم مسلط بودن بر اوضاع یا تأمین منافع اقتصادی بیشتری می شود.

**این وضعیتی است که به درستی در مورد کلیت اکوسیستم استارت آپی ایران ترسیم اش کردید، اما مشخصاً در مورد ابرآرون ظاهر مسئله دیگری هم در میان بود. در واقع انگار این موضوع موجب خوشحالی هم بود که اتهام فیلترینگ و محدود کردن اینترنت فقط و فقط بر دوش استارت آپی در بخش خصوصی قرار گرفته که صدایش هم به جایی نمی رسد و سبیل شدن موجب می شود سیاست گذاران، آمران و عاملان از محدوده خارج شوند.**

هنگامی که قرار شد شرکت های ابری تقویت شوند و زیرساخت های دولتی در اختیار این شرکت های خصوصی و غالباً جوان قرار گیرد، نهادهایی به شدت مخالف این اتفاق بودند. مخالفت آنها جدی از تعارض منافع دلایل دیگری هم داشت و از تمایل شان به اینکه همه امکانات و زیرساخت های دولتی در اختیار نهاد های خصوصی قرار بگیرد، بر می آمد. ضمن اینکه مخالفت در ترسی که گروه های ایدئولوژیک همواره از باز شدن فضای مشارکت داشته اند، ریشه داشت. وضعیتی که در نهایت به موضع گیری های شکل گرفته علیه ابرآرون منجر شد.

مهم ترین مسئله ای که در اعتراضات پاییز ۱۴۰۱ در مورد ابرآرون مطرح شد، این بود که ابرآرون مسئولیت فیلترینگ را دارد یا به آن کمک می کند. این در حالی است که همه ما می دانیم مسئله آنقدر بدیهی بود که کسی اگر اندکی دانش فناوری داشت، چنین موضعی را نمی پذیرفت، اما مسئله دوم که افراد آگاه به حوزه فناوری اطلاعات مطرح می کردند این بود که ابرآرون هزینه فیلترینگ را کاهش می دهد، چون امکان ارائه خدمات ابری موازی را فراهم آورده است؛ هر چند این استدلال هم دچار تناقض بود. آنها این مسئله را نادیده می گیرند که کسی که فیلتر می کند، اساساً دغدغه هزینه فیلترینگ را ندارد تا به دنبال راهی برای کاهش آن باشد. ضمن اینکه نمی دانم این واقعیت چه زمانی قرار است برای متخصصان جامعه ما آشکار شود که آن کسانی که دستور فیلترینگ اینستاگرام، تلگرام و واتس آپ را می دهند، اساساً این دغدغه را که جایگزینی برای اینها وجود داشته باشد یا نداشته باشد، ندارند. این مسئله مانند آن است که تصور کنید «شکارچی پرند ه ها وقتی روی چمن راه می رود، نگران است که میباید گل ها زیر پایش له شوند!» اساساً او برای له شدن یا نشدن گل ها هیچ دغدغه ای ندارد. تصور این متخصصان به همین اندازه اشتباه بود و چیزی را به عنوان دغدغه کسی مطرح می کردند که اساساً برایش اهمیتی نداشت. در نتیجه تمام این شرکت های استارت آپی از جمله ابرآرون، در درجه اول با ارائه خدمات خودشان، در جهت رفاه عمومی گام برداشته اند. این استارت آپها با ارائه خدمات بهتر، توانسته اند از دشواری های بسیاری که تک تک مردم احساس می کنند، اندکی بکاهند؛ چه آن پلتفرم های ویدئویی که سریال بخش می کنند و چه آن تاکسی های اینترنتی که مشکل بی اندازه بزرگ حمل و نقل را به اندازه کوچکی حل کرده اند. افت آمار تجارت الکترونیک ایران پس از اعمال فیلترینگ گسترده، در قیاس با پیش از آن کاملاً آشکار است و